

مطالعه تأثیر اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در طی سه دهه پس از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۸۷)

علی شکوری*، زهرا تقی‌زاده اصل**

چکیده

این مقاله به مطالعه تأثیر اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در طی سه دهه گذشته در ایران می‌پردازد. از آنجاکه طی این سه دهه هزینه‌های دولت به موازات شاخص توسعه انسانی روند افزایشی داشته است، این تصور به وجود آمده که ماهیت رفاهی دولت رو به گسترش بوده است. با وجود این، نتایج الگوهای اقتصادسنجی نشان می‌دهد که هرچند افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای (عمرانی) بر شاخص توسعه انسانی تأثیر مثبت داشته، رشد هزینه‌های مصرفی (جاری) نه تنها دارای تأثیر مطلوبی نبوده، بلکه در طی زمان اثر منفی آن بر این شاخص گذاشته است. به علاوه، نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که دولت در ایران از الگوهای بودجه پیشنهادی سازمان ملل تبعیت نمی‌کند و ادعای دولت در باب توسعه و ارتقای کیفیت زندگی در حد شعار بوده است. همچنین تحقیق آشکار ساخت که عوامل دیگری چون رشد جمعیت نیز بر سیر صعودی شاخص توسعه انسانی مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: توسعه انسانی، اندازه دولت، هزینه‌های دولت، الگوهای اقتصادسنجی.

shakoori@ut.ac.ir

* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

taqizadezahra@yahoo.com

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۵

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۷۹-۱۰۰

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم، با پیدایش بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در بیشتر کشورها، حکومت‌های سرمایه‌داری غرب بر آن شدند تا یکی پس از دیگری به‌منظور افزایش اشتغال و رفع بحران رکود به مداخله اقتصادی دست بزنند. در این دوران، اکثر دولت‌ها به‌دنبال بالابردن سطح رشد در تولید ناخالص ملی سرانه واقعی خود بودند؛ بنابراین، دولت به‌منزله سازمان‌دهنده سرمایه‌داری، تا حدی جانشین سازوکار بازار آزاد شد. با وجود تلاش دولت‌ها، شواهد تجربی نشان داد که بسیاری از کشورها در مجموع به هدف‌های رشد موردنظر خود دست یافتند، اما هیچ‌گونه بهبودی در وضعیت اشتغال، برابری اجتماعی و درآمدهای واقعی طبقات پایین جامعه و به‌طور کلی تغییر در سطح زندگی توده‌های مردم ایجاد نشد.

در سال ۱۹۹۸، سن^۱ با طرح «قابلیت‌ها و کارکردهای انسانی» بیان کرد که دستیابی به زندگی بهتر بیش از آنکه نیازمند مصرف بیشتر کالا و خدمات باشد، ثمره پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. فرضیه اساسی این رویکرد بر این میناست که انسان موجودی چندبعدی است و نمی‌توان ارتقای انسانی را صرفاً با درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد (سن، ۱۳۸۲). براساس همین رهیافت، در گزارش ۱۹۹۰ سازمان ملل، هدف از توسعه انسانی ایجاد نمایه‌ای از قوت‌ها و ضعف‌های کشورها برای دولت‌مردان و برنامه‌ریزان تعریف شد. شاخصی که در این گزارش با عنوان «شاخص توسعه انسانی» معرفی می‌شود شاخصی مرکب است که سه سرشاخص امید به زندگی، پیشرفت تحصیلی و تولید ناخالص داخلی دارد و دولت‌های متبوع را قادر می‌سازد تا پیشرفت و بهبود را در طول زمان ارزشیابی و در زمینه دخالت سیاسی و تخصیص هزینه‌های خود اولویت‌های خاصی را لحاظ کنند؛ زیرا دولت اولین نهاد پاسخگو درباره وضعیت معیشت و رفاه جامعه است.

درواقع، یکی از وظایف بنیادین دولت تخصیص مجدد منابع بخش عمومی در حوزه‌های آموزش، بهداشت و کاهش فقر است. نکته مهم این است که مؤلفه‌های یادشده در واقع بر سرشاخص‌های توسعه انسانی تأثیر مستقیم دارند. دولت‌ها با توجه به بودجه در دسترس نقش هدایت‌گری را در توسعه انسانی دارند؛ چراکه تحقق توسعه انسانی نیازمند دولتی فعال است تا بتواند ترکیب درستی از هزینه‌ها را (به‌علت ماهیت محدود منابع موجود) برای ارتقای توسعه به‌دست آورد. با این نگاه، می‌توان گفت دولت نقش مهمی در ارتقای توسعه انسانی ایفا می‌کند. این موضوع، به‌طوری که در ادبیات به‌طور گسترده بر آن تأکید شده (برای مثال، هیتگر، ۲۰۰۱؛ دیویس، ۲۰۰۹؛ واگلگسانگ، ۲۰۰۸)، تا حد زیادی از اندازه دولت برحسب میزان هزینه‌های آن

¹ Sen

بر شاخص توسعه انسانی متأثر است که به نوعی نحوه دخالت و عملکرد دولت‌ها را در جهت تأمین رفاه افراد نشان می‌دهد. برای مثال، آرمی (۱۹۹۵)، ودر و گالوی (۱۹۹۸)، اسکالی (۱۹۹۴) اولین پژوهش‌ها را در این عرصه محقق کردند. هیتگر (۲۰۰۱) به تفکیک بر تأثیر هزینه‌های جاری و عمرانی دولت‌ها تأکید کرد و استیگلیتز با همین رویکرد به تفکیک بین کشورها براساس توسعه‌یافتگی معتقد بود. اما در ادامه، گوسه و وینتر (۱۹۹۷)^۱ شاخص‌های کیفی‌تری را نیز مؤثر دانستند و در نهایت واگلگسانگ (۲۰۰۸) و دیویس (۲۰۰۹) در کارهای خود شاخص توسعه انسانی را، که بیشتر به جنبه‌های کیفی اهمیت می‌دهد، مقیاس گسترش رفاه در نظر گرفتند.

در ایران، با توجه به اهمیت تاریخی و نقش مسلط ساخت سیاسی نسبت به دیگر ساخت‌ها و همچنین نقش گسترده درآمدهای نفتی از دهه ۵۰ به بعد، درآمدهای کشور توان دولت را در تخصیص بودجه مناسبی جهت ارتقای رفاه افراد جامعه افزایش داد. به نظر می‌رسد باوجود تغییرات دوره‌ای دولت‌ها و به تبع آن، تغییر نسبی رویکردها و سیاست‌های اعلامی آنها، پیوسته درآمدهای نفتی به همراه خصوصیت رانتهی دولت در نحوه بازتوزیع درآمدهای دولت در غالب هزینه‌ها و به‌ویژه در رفاه و بهبود توسعه انسانی نقش محوری داشته است (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۲؛ کارشناس، ۱۳۸۲؛ شکوری، ۲۰۰۱). باوجود اینکه در سال‌های اخیر، با الهام از مطالعات خارجی، تحقیقاتی در زمینه اندازه دولت و پیامدهای توسعه‌ای آن در کشور انجام گرفته است، همان‌گونه که در بخش ادبیات اشاره خواهد شد، کمتر مطالعه‌ای به‌طور خاص به تأثیر هزینه‌های جاری دولت‌ها بر توسعه انسانی در دهه‌های بعد از انقلاب متمرکز شده است. از این رو، پژوهش حاضر سعی می‌کند با تمرکز بر این موضوع، بخشی از خلأ موجود در ادبیات را پر کند. به عبارتی، این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که تا چه حدی دخالت دولت (بر مبنای اندازه دولت) در طول سی‌ساله پس از انقلاب توانسته است تأثیر مطلوبی بر شاخص توسعه انسانی در ایران بگذارد؟

ادبیات تحقیق

ادبیات نظری پژوهش از دو بعد درخور بحث است: دخالت و حضور دولت در اقتصاد و اجتماع، و اندازه دولت و پیامدهای توسعه‌ای آن. از دیرباز، دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی پیوسته موضوع دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی بوده است. این موضوع با مطرح شدن علم اقتصاد و مکتب اقتصاد کلاسیک از اواخر قرن هجدهم میلادی شکل جدی‌تری به خود گرفت و غالباً مباحث بین حداقل‌گرایی (که منشأ فیزیوکراتی و کلاسیکی داشت) و حداکثرگرایی (که

^۱ Winter

منشأ سوسیالیستی و مارکسیستی داشت) در نوسان بود که به قول گیدنز، اولی دولت را دشمن و دومی آن را راه‌حل می‌پندارد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۰) برای مثال، تا قبل از بحران دهه ۱۹۳۰، دیدگاه اول حاکم بوده است که بعد از آن، تحت تأثیر دیدگاه کینز در خصوص اهمیت مداخله دولت در تحریک تقاضا، نقش دولت در اقتصاد پذیرفته شد و با بسط و قبض‌هایی هنوز هم ادامه دارد. با این حال از دهه ۱۹۷۰، با شکل‌گیری دولت‌های رفاه و هزینه‌های فزاینده آن تحولات عقیدتی درخور توجهی علیه دولت شکل گرفت و از اوایل دهه ۱۹۸۰، در قالب این رویکرد برنامه‌هایی چون خصوصی‌سازی، تعدیل ساختاری و آزادی تجارت در کشورهای مختلف به اجرا درآمد. با توجه به تجربه تلخ این برنامه‌ها در اکثر کشورهای در حال توسعه، در دهه ۱۹۹۰، دیدگاه عدم مداخله دولت و سپردن امور به بخش خصوصی تعدیل شد و بحث دخالت دولت دوباره مطرح شد.

با توجه به تحولات پیش‌گفته، سه تفسیر یا الگو در خصوص حضور دولت در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی تشخیص‌پذیر است: نخست، دولت نقش یاری‌دهنده را دارد و کاست‌های نظام (اقتصاد آزاد) را جبران می‌کند. دوم، دولت نقش مضر را (در مداخله) دارد و بهترین خدمت به اقتصاد و اجتماع سپردن امور به‌دستی نامریی است؛ سوم، دولت دستی حریص دارد و وقتی وارد حوزه‌های شد نمی‌خواهد از آن دست بردارد. براساس تجربه کشورهای، به این تفاسیر باید تفسیر چهارمی را نیز افزود که تحولات اقتصادی و اجتماعی بدون وجود دولت‌های توسعه‌گرا مشکل است، چراکه این دولت‌ها زمینه را برای ایجاد و تثبیت نهادهای لازم برای توسعه فراهم می‌کنند. این دیدگاه را تحقیقات صاحب‌نظران برجسته‌ای چون گونارد میردال و نیکلاس کالدور براساس نقد شکست‌های بازار و معیار بهینه پارتو در کشورهای جهان سوم تقویت کردند.

برآیند دیدگاه «دست‌حریصانه» دولت و دیدگاه نقش توسعه‌ای آن، طرح نظریه اندازه دولت است که تفسیر کلاسیکی و لیبرالی معتقد است دولت بزرگ به دلیل تحمیل هزینه‌های اضافی و اعمال سیاست‌های مالی و پولی برای نیل به کارایی اقتصادی و تحریک انگیزه‌های اقتصادی زیان‌آور است. تفسیر دوم دولت بزرگ را موتور توسعه‌ای قوی به‌دلیل راهبری دولت در هماهنگی تضادها بین بخش‌های مختلف اقتصادی، تولید کالاهای عمومی و رفاهی برای توده‌ها، به‌ویژه اقشار پایین، تلقی می‌کند که در نهایت مفید است. با وجود این، در عمل شکل تعدیل‌یافته‌تری از تفسیر دوم وجود دارد که بیشتر بر توسعه انسانی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه تأکید می‌کند. در این دیدگاه، دولت - نه الزاماً حجم و اندازه بزرگ آن - اهمیت دارد و بحث اصلی کنترل و توانایی دولت در تخصیص بودجه و انتقال هزینه‌هاست. شاید کیش‌گرفین را یکی از نمایندگان مهم این خط فکری بتوان تلقی کرد.

براساس گریفین، استراتژی توسعه انسانی به دولتی فعال نیاز دارد که اولاً، تمرکز تولیدات در استفاده از سرمایه طبیعی را تغییر دهد؛ ثانیاً، جبهه‌گیری در برابر شکل‌گیری سرمایه انسانی را برطرف کند و باعث شود تا فواید حاصل از سرمایه‌گذاری در توسعه انسانی نادیده گرفته نشود؛ ثالثاً، به طور جدی به سرمایه‌گذاری‌های عام‌المنفعه، از جمله تأمین هزینه برای تحقیق و توسعه آموزش و کارآموزی، بهداشت و تغذیه و غیره، پردازد (گریفین، ۱۳۷۸: ۵۴). به همین سبب، به نظر او، تحقق استراتژی رشد و توسعه، که هدف آن بهبود رفاه مردم در کوتاه‌ترین زمان ممکن است، در واقع مستلزم تغییری در ترکیب هزینه‌های دولت خواهد بود: که در وهله نخست، سهم بودجه فعالیت‌هایی که نقشی در توسعه ندارد باید به کمترین مقدار رسانده شود. اینها شامل بودجه‌های نظامی و امنیت داخلی، یارانه‌های مؤسسه‌های عمومی، هزینه دستگاه‌های اداری بی‌اندازه‌بزرگ در سازمان دولت و بهره‌وام‌های خارجی‌اند. وجوه این صرفه‌جویی‌ها باید صرف هزینه‌هایی از جمله آموزش و پرورش و آموزش کار، تغذیه و بهداشت اولیه، تهیه آب آشامیدنی و امثال آن شوند؛ دوم، در میان هزینه‌های گوناگون توسعه انسانی تخصیص مجدد باید به نفع فعالیت‌هایی صورت گیرد که فایده‌شان عاید تعداد بیشتری از افراد می‌شود. سوم، از نظام تأمین اجتماعی و نظام‌های مستمری جامع، گران و مفصل، به گونه‌ای که در غرب دیده می‌شود، باید خودداری کرد (همان: ۳-۱۶۰). از این رو، او نتیجه می‌گیرد که پذیرفتن استراتژی توسعه انسانی مستلزم آن نیست که دولتی بی‌اندازه‌بزرگ عهده‌دار برنامه‌ها شود یا بار مالیاتی سنگینی ایجاد کند. توسعه انسانی بیش از آنکه به میزان کل هزینه‌ها وابسته باشد، به اولویت‌های هزینه‌ای بستگی دارد (همان: ۱۶۲).

براساس دیدگاه اخیر، بانک جهانی «الگوی بودجه‌ای» را تنظیم کرده است که به گونه‌ای جایگاه توسعه انسانی را در هزینه نشان می‌دهد و این الگو در جدول ۱ آمده است. در این جدول، کل هزینه‌ها به هفت طبقه تقسیم شده‌اند که چهار طبقه اول هزینه‌هایی هستند که به طور مستقیم به توسعه انسانی مربوط می‌شوند و سه طبقه دیگر مستقیماً به توسعه انسانی مربوط نمی‌شوند. براساس این الگو، ۳۴ درصد از هزینه‌های دولت به فعالیت‌هایی تخصیص می‌یابد که به طور مستقیم به توسعه انسانی مربوط نمی‌شود (طبقات ۵ تا ۷). با کاستن از منابعی که به طبقات ۵ تا ۷ تخصیص می‌یابد می‌توان هزینه‌های توسعه انسانی را افزایش داد (همان: ۳-۱۶۲).

جدول ۱. الگوی بودجه

درصد کل هزینه‌های دولت	درصد تولید ناخالص ملی	
۲۰	۵	۱. آموزش و پرورش، کارآموزی
۲۰	۵	۲. بهداشت، تنظیم خانواده و مانند آن
۲۰	۴/۵	۳. تأمین اجتماعی
۸	۲	۴. تأمین غذایی
۲	۰/۵	۵. تأمین اقتصادی
۸	۲	۶. سایر امور از جمله مسکن و بهداشت محیط
۸	۲	۷. برنامه تضمین اشتغال
۱۲	۳	۸. خدمات اقتصادی
۸	۲	۹. امور دفاعی و مانند آن
۱۴	۳/۵	۱۰. تمام هزینه‌های دیگر
۱۰۰	۲۵	جمع

مأخذ: گریفین، ۱۳۷۸: ۱۶۳

تحول نظری از دیدگاه‌های افراطی سنتی به سوی نقش و اهمیت توسعه‌ای دولت با محوریت اندازه آن الهام‌بخش تحقیقات خارجی درخور ملاحظه و مطالعات داخلی معدودی بوده است. تا آنجا که به موضوع این مقاله مربوط می‌شود، از شاخص‌ترین آنها در مطالعات خارجی، می‌توان به پژوهش گومانی و همکاران (۲۰۰۵) اشاره کرد که با بهره‌گیری از داده‌های ۱۰۴ کشور، در بین سال‌های ۱۹۷۱-۲۰۰۰، به مطالعه تأثیر کمک‌ها و مخارج دولتی بر سطح رفاه جامعه برحسب میزان مرگومیر نوزدان و شاخص توسعه انسانی می‌پردازند. الگوی برآوردی آنها نشان می‌دهد که کمک‌ها و مخارج دولتی بر شاخص رفاه در کشورهایی با درآمد پایین مثبت و بزرگ‌تر است.

همین‌طور، دیویس (۲۰۰۹) در پژوهشی دیگر به بررسی اندازه بهینه دولت و شاخص توسعه انسانی در سطح جهان می‌پردازد. با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ و داده‌های پنل (ترکیبی) کشورها را در سه دسته توسعه‌یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته قرار می‌دهد. او نتیجه می‌گیرد که در کشورهای توسعه‌یافته هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولت تأثیری به مراتب بیشتر در بهبود توسعه انسانی این جوامع دارد و نقش هزینه‌های جاری در کشورهای گروه‌های دیگر به شدت پررنگ‌تر است.

درمقابل، پن لی - چی (۲۰۰۶) با مطالعه موردی تأثیر هزینه‌های دولت بر شاخص توسعه انسانی در چین در بازه زمانی ده‌ساله و براساس دو الگوی ADL و OLS نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان هزینه‌های دولت چین و شاخص توسعه انسانی این کشور وجود ندارد. بخش اعظمی از مطالعات داخلی، بیش از تأثیر اندازه دولت بر توسعه انسانی، بر رشد اقتصادی متمرکزند که برخی مانند کمیجانی و نظری (۱۳۷۸)، دژپسند و گودرزی (۱۳۸۹) و

^۱ Generalized Method of Moments (GMM)

اکبری (۲۰۱۱) به تأثیر مثبت و برخی دیگر مانند صنیع دانش (۱۳۷۴) و عسلی (۲۰۱۱) به پیامدهای منفی رسیده‌اند.

تحقیقاتی که با تأکید بر توسعه انسانی انجام شده‌اند، یا بین کشوری‌اند که ایران در داخل آنها دیده شده؛ یا به سال خاصی محدودند به‌جای اینکه برمبنای زمان در طی دهه‌های مختلف باشند، آن‌چنان که هدف این پژوهش است. برای مثال، آرانلی و ابرقویی (۱۳۸۹) در مطالعه خود، پژوهش دیویس را طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ با رهیافت GMM درباره کشورهای نفتی و درحال توسعه غیرنفتی آزمون کرده‌اند و خواسته‌اند تا ارتباط مثبت مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت را در هر دو گروه نمایش دهند. آنها نتیجه گرفتند که اندازه دولت در کشورهای نفتی بزرگ‌تر از کشورهای غیرنفتی است، ولی به‌دلایلی چون عملکرد نامطلوب، پایین بودن کیفیت کالاهای بخش عمومی و غیره دولت نتوانسته به‌صورت بهینه بر توسعه انسانی اثرگذار باشد. جمشیدی و همکارانش (۱۳۹۰) نیز در مقاله خود به بررسی تأثیر اندازه دولت بر توسعه انسانی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی^۱ و براساس رهیافت رگرسیون وزنی در سال ۲۰۰۶ پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که تأثیر اندازه دولت بر توسعه انسانی کشورهای عضو مثبت و معنی‌دار است. نکته درخور توجه این است که صرفاً با بررسی در یک‌سال نمی‌توان به چنین نتیجه قطعی درباب تأثیرگذاری ذکرشده رسید؛ چراکه اولاً، تأثیرگذاری هزینه‌های دولت بر توسعه انسانی مقوله‌ای زمان‌بر است و نمی‌توان با در نظر گرفتن یک‌سال به تحلیل آن پرداخت. دیگر اینکه، هرچند مقایسه ایران با کشورهای دیگر در مقطع زمانی خاصی مفید است، شناختی کافی از تحولات و نوسان‌های کشور، با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی آن، به‌دست نمی‌دهد. برای مثال، ماهیت رانتیر^۲ دولت که اساساً درآمدهای نفتی مشخصه اصلی آن را تشکیل می‌دهد، به‌دلیل نوسان قیمت نفت از ثبات برخوردار نیست. این موضوع بر مؤلفه‌های توزیعی و رفاهی تأثیر می‌گذارد که لازم است بر اساس تجربه دهه‌های مختلف مطالعه مستقلی درباره آن صورت گیرد. ازیک‌سو، این نوع دولت مصداق دولت حامی‌پرور است که از طریق ویژگی‌های اقتصادی‌ای که پیدا می‌کند می‌تواند مانع انجام وظایف بازتوزیع صحیح شود و در نتیجه بر توسعه و رفاه جامعه تأثیر منفی بگذارد (تاقب‌فرد ۱۳۸۵: ۵۸؛ شکوری، ۲۰۰۱). ازسوی دیگر، منابع درآمدی آن -یعنی نفت- می‌تواند منبع درخور توجهی برای بازتوزیع ثروت بدون تغییر بنیادی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی فراهم کند (کارشناس، ۱۳۸۲).

^۱ OIC

^۲ Rentier

با توجه به اینکه اکنون بیش از همه بخش‌های فرایند توسعه (از جمله توسعه انسانی) کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، تحت تأثیر دولت و اندازه آن قرار دارد و با عنایت به اینکه کیفیت (منفی یا مثبت) تأثیر متغیر است و برخی مشخصه‌ها مانند منابع نفتی می‌تواند نقش متناقضی (مانع یا تسهیل‌کننده) در فرایند توسعه انسانی داشته باشد که متأثر از ویژگی‌های کشورهاست، این مقاله در پی بررسی این موضوع است که حجم دولت در ایران، که تا حد زیادی تحت تأثیر درآمدهای نفتی بوده، در عمل چه تأثیری در رفاه اجتماعی داشته است.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت این پژوهش و برای پرهیز از اختلاط مباحث، این بخش در چهار زیربخش ارائه می‌شود: بخش اول، روش‌شناسی تحقیق را توضیح می‌دهد. بخش دوم، مفاهیم و متغیرهای تحقیق را تعریف می‌کند. بخش سوم، نحوه سنجش و آزمون متغیرهای تحقیق را تشریح می‌کند. بخش اخیر ماهیت متغیرها را از لحاظ ایستایی^۱ و نایستایی^۲ هدف تحلیل قرار می‌دهد تا نوع آزمون‌ها برای سنجش روابط متغیرها مشخص شوند، بنابراین ترجیح دادیم آن‌را در بخش روش مطرح کنیم.

الف) روش‌شناسی

این مطالعه بر الگوی سری‌های زمانی مبتنی است. این الگوها در پی تبیین رفتار یک متغیر براساس مقادیر گذشته دیگر متغیرهایی است که می‌خواهیم آن‌ها را پیش‌بینی کنیم. اساساً الگوسازی اقتصادسنجی سری‌های زمانی بر فرض ایستایی متغیرهای سری زمانی مبتنی است. براساس این فرض، آماره‌هایی چون میانگین، واریانس و کوواریانس متغیرها در طول زمان ثابت و مستقل از زمان است. اما بررسی‌هایی که از سال ۱۹۹۰ به بعد انجام شده، نشان داد که این فرض درباره مورد بسیاری از متغیرهای سری‌های زمانی اقتصاد کلان نادرست است و اکثر این متغیرها وابسته به زمان‌اند. در چنین حالتی، توصیه بر استفاده نکردن از آماره‌هایی چون تی و اف است، چراکه نتایج احتمالاً تنها بر یک رگرسیون جعلی دلالت خواهد کرد تا به وجود رابطه اقتصادی واقعی و تعادلی.

به‌همین سبب، این پژوهش در جهت بررسی تأثیر اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در ایران، برای دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۷، ابتدا آزمون ایستایی را با روش پرون و آزمون هم‌گرایی را با استفاده از آزمون جوهانسون و جوسیلیوس محاسبه می‌کند. برای پرهیز از رابطه‌های جعلی،

¹ Stationary

² Non-Stationary

در ادامه، به بررسی وقفه بهینه الگو از طریق آزمون آکائیک - شوارتز و حنان کوئین می‌پردازد و در نهایت برازش الگو WLS را انجام می‌دهد.

ب) تعریف مفاهیم

• توسعه انسانی

گزارش‌های توسعه انسانی سال ۱۹۹۰ و سال‌های بعد، برای توسعه انسانی بیش‌از رشد تولید ناخالص ملی و رشد درآمد و ثروت و انباشت اهمیت قائل شده و از توسعه انسانی به‌مفهوم مجموعه اقدامات برای افزایش توانایی‌های افراد و توسعه‌دادن و دگرگون‌ساختن پایه‌های اقتصادی و حذف موانع برای فرصت‌های مساوی یاد شده‌است. در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۱، به‌طور مشخص‌تری هشت هدف اصلی برای توسعه بیان شده که عبارت‌اند از ریشه‌کن‌کردن فقر و گرسنگی مفرط، باسوادی درحد تحصیلات ابتدایی در سراسر جهان، تقویت قدرت اجتماعی زنان و تأمین تساوی میان حقوق زن و مرد، کاهش مرگ‌ومیر اطفال، پیشرفت بهداشت مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و دیگر بیماری‌ها و برقراری امنیت محیط زیست (یونایتد نیشن،^۱ ۱۹۹۰-۲۰۱۰).

• شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی^۲ نتیجه کوششی است به‌منظور رهاکردن دیدگاه توسعه تولید (که بر تولید ناخالص داخلی یا تولید ناخالص ملی تأکید دارد) و جایگزین‌کردن دیدگاه دیگری که انسان‌مدار است. نمی‌توان توسعه انسانی را شاخصی برای سنجش میزان رفاه یا سعادت‌مندی جامعه قلمداد کرد، بلکه شاخصی است که میزان توانمندسازی را اندازه‌گیری می‌کند. شاخص توسعه انسانی خود ترکیبی است از سه شاخص دیگر که هر یک نماینده نوعی پیشرفت در زندگی انسان است:

۱. طول عمر که با امید به زندگی در زمان تولد اندازه‌گیری می‌شود.
 ۲. دانش که با میزان باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های تحصیل اندازه‌گیری می‌شود.
 ۳. درآمد که فرض شده‌است از لحاظ مبلغی که برای سطح زندگی خوب لازم است، نوعی بازده نزولی را نشان می‌دهد (تولید ناخالص داخلی سرانه) (گریفین، ۱۳۷۸).
- شاخص توسعه انسانی متوسط برخورداری از صفاتی مثل سواد و... را در توسعه انسانی نشان می‌دهد، ولی این شاخص نمی‌تواند میزان محروم‌بودن افراد را از این صفات نشان دهد.

¹ United Nations

² HID

بدین منظور، در گزارش توسعه انسانی (۱۹۹۷) شاخص جدیدی به نام شاخص فقر انسانی^۱ معرفی شد. این شاخص می‌کوشد تا محرومیت را در فضایی چندبعدی مجسم کند. اجزای اصلی این شاخص در همان ابعاد اجزای اصلی شاخص توسعه انسانی واقع شده‌اند و تفاوت صرفاً در این است که این شاخص، متوسط برخورداری از یک صفت را در جوامع مورد نظر نشان می‌دهد.

• تعریف دولت

دولت به نهادهایی اطلاق می‌شود که دارای قدرت مشروع هستند و آن را بر قلمروی مشخص اعمال می‌کنند. دولت از طریق حکومت سازمان‌یافته، قدرت انحصاری برقراری نظم در محدوده قلمرو خود را دارد.

• مفهوم اندازه دولت و معیارهای اندازه‌گیری دولت

ملاک ارزیابی عملکرد دولت برحسب کارکردهای دولت محاسبه می‌شود. یکی از معیارهای مهم عملکرد دولت اندازه آن است. اندازه بخش دولتی را معمولاً با توجه به با اقلام اصلی حساب‌های ملی، مانند محصول ناخالص داخلی یا ملی، درآمد ملی و درآمد شخصی تعریف می‌کنند. در بیشتر بررسی‌های تطبیقی که در خصوص اندازه بخش دولتی انجام گرفته از شاخص محصول ناخالص استفاده شده‌است. محصول ناخالص در واقع کل مخارجی است که صرف خرید محصولات (کالا و خدمات) داخلی می‌شود (نیلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

در بحث اندازه دولت، می‌توان شاخص‌ها را به دو دسته مطلق و نسبی تقسیم کرد که در ادامه، هر یک تحت بررسی قرار می‌گیرد.

۱. شاخص مطلق

این موارد شاخص‌های مطلق در نظر گرفته می‌شود: مخارج یا هزینه کل دولت، هزینه‌های مصرفی بخش دولتی، بودجه عمومی دولت، درآمدهای مالیاتی و تفاضل بودجه عمومی دولت و درآمد مالیاتی (رازینی و همکاران، ۱۳۹۰).

۲. شاخص نسبی

شاخص‌های نسبی شاخص‌هایی‌اند که امکان مقایسه را برای پژوهشگر فراهم می‌آورند. بدین ترتیب که یک عامل اقتصادی با جنبه دیگری از فعالیت‌های اقتصادی قیاس می‌شود. از شاخص‌های نسبی می‌توان نسبت مخارج عمومی به تولید ناخالص ملی (یا داخلی)، نسبت سرمایه‌گذاری دولتی به تولید ناخالص ملی (یا داخلی)، نسبت بودجه (کل یا عمومی) به تولید ناخالص ملی (یا داخلی)، نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص ملی (یا داخلی)، نسبت اشتغال عمومی به اشتغال کل، نسبت هزینه‌های مصرفی بخش دولتی به تولید ناخالص داخلی را نام برد.

^۱ HPI

مطالعه تأثیر اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در طی سه دهه پس از انقلاب

به دلیل اهمیت و نقش مستقیم هزینه‌های جاری در تحقق توسعه انسانی برای کشورهای در حال توسعه، نسبت هزینه‌های مصرفی بخش دولتی به تولید ناخالص داخلی، متغیر اندازه دولت در پژوهش حاضر در نظر گرفته نشده است.

ج) آزمون و نحوه سنجش

در این بخش برای پی بردن به ماهیت متغیرها، ابتدا آزمون ایستایی و آزمون هم‌گرایی انجام می‌گیرد و سپس به تخمین متغیرها می‌پردازیم.

• آزمون ایستایی (پایایی)

با توجه به نتایج آزمون پرون، مقادیر متغیرهای شاخص توسعه انسانی، درآمد نفتی دولت، اندازه دولت بر حسب هزینه‌های جاری نسبت به تولید ناخالص ملی و هزینه‌های عمرانی دولت نسبت به تولید ناخالص ملی در سطح ایستا قرار ندارند و با تفاضل مرتبه اول ایستا می‌شوند یا به عبارت دیگر، متغیرهای الگو انباشته از مرتبه اول (I) هستند.

جدول ۲. نتایج آزمون پرون برای متغیرهای الگو

متغیرها	آماره پرون	مقدار بحرانی مک کینون		
		%۱۰	%۵	%۱
توسعه انسانی	-۵/۲۴۴۳	-۳/۶۷۹۳	-۲/۹۶۷۷	-۲/۶۲۲۹
نفت	-۳/۲۳۰۲	-۳/۶۷۹۳	-۲/۹۶۷۷	-۲/۶۲۲۹
اندازه هزینه‌های جاری	-۳/۱۵۹۳	-۳/۶۷۹۳	-۲/۹۶۷۷	-۲/۶۲۲۹
اندازه هزینه‌های عمرانی	-۵/۶۹۹۲	-۳/۶۷۹۳	-۲/۹۶۷۷	-۲/۶۲۲۹

• آزمون هم‌گرایی متغیرهای الگو

طبق جدول آزمون هم‌گرایی جوهانسن، الگو یک بردار هم‌گرایی دارد که نشان‌دهنده وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها است. در فرضیه صفر، فرض نبود بردار هم‌گرایی رد می‌شود. بنابراین، دست‌کم یک بردار هم‌گرایی وجود دارد که در انتهای جدول ضرایب نرمال شده آن نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون جوهانسون

Trace				
مفروضات	ارزش ویژه	آماره	ارزش بحرانی	معناداری**
هیچ مورد*	۰/۶۵۸۴۴۱	۴۹/۴۳۲۱۹	۴۷/۸۵۶۱۳	۰/۰۳۵۳
۱	۰/۳۴۳۸۶۹	۱۹/۳۵۳۶۶	۲۹/۷۹۷۰۷	۰/۴۶۷۷
۲	۰/۲۲۸۳۹۱	۷/۵۵۴۵۹۰	۱۵/۴۹۴۷۱	۰/۵۱۴۲
۳	۰/۰۱۰۴۷۴	۰/۲۹۴۸۲۷	۳/۸۴۱۴۶۶	۰/۵۸۷۱

Trace: Unrestricted Cointegration Rank Test
Trace test indicates 1 cointegrating eqn(s) at the 0.05 level
* denotes rejection of the hypothesis at the 0.05 level
**MacKinnon-Haug-Michelis (1999) p-values

توضیحات

• الگوی کمینه مربعات وزنی (WLS)

برآوردکننده‌های کمینه مربعات معمولی، هنگامی که تغییرپذیری درخور ملاحظه‌ای در آمارها وجود داشته‌باشد، نمی‌توانند بهترین باشند. به عبارتی، اگر ناهمسانی واریانس در داده‌ها وجود داشته‌باشد، روش ایده‌آل، آن است که برای مشاهدات با تغییرپذیری بیشتر، وزن کمتری نسبت به مشاهدات با تغییرپذیری کمتر قائل شود. روش کمینه مربعات معمولی از این قاعده تبعیت نمی‌کند و وزن یکسانی به هر یک از مشاهدات در سری زمانی می‌دهد درحالی‌که در روش کمینه مربعات وزنی (WLS)، تفاوت‌ها به طور دقیق مشاهده می‌شود و تخمین‌زنی بی‌ال‌یوای^۱ را ارائه می‌دهد. بنابراین، ناهمسانی واریانس با استفاده از آزمون آرچ^۲ بررسی شد؛ درکنار این آزمون لازم است وجود مشکل خود همبستگی در الگو نیز بررسی شود.

• بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس

نتایج حاصل از آزمون آرچ، که شامل متغیرهای شاخص توسعه انسانی، هزینه‌های جاری و عمرانی دولت نسبت به تولید ناخالص ملی و با وزن درآمد نفتی دولت است، در جدول ۴ نشان داده شده‌است.

جدول ۴. نتایج آزمون آرچ

آزمون هیتروسکیدستی			
آماره-F	۷/۲۹۲۵۶۹	معناداری (1,28) F	۰/۰۱۱۶
R ² مشاهده شده	۶/۱۹۸۹۵۵	معناداری کی دو	۰/۰۱۲۸

HeteroskedasticityTest:ARCH

مطابق جدول ۴، احتمال مجذور آرچ^۳ برابر با ۰/۰۱ و کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه صفر رد و در نتیجه همسانی واریانس پذیرفته نمی‌شود. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس باید الگو را به کمک روش کمینه مربعات وزنی تخمین بزنیم.

• بررسی وجود مشکل خودهمبستگی

مطابق جدول ۵، آماره اف برابر با ۱۸/۴ و احتمال آن صفر شده است که بدین معناست که فرضیه صفر که به معنای نبود مشکل خودهمبستگی است، رد شده است و در نهایت، مشکل خودهمبستگی در این الگو وجود دارد.

¹ Best Linear Unbiased Estimator

² Arch

³ R – Squared

مطالعه تأثیر اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در طی سه دهه پس از انقلاب

جدول ۵. نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی

۰/۰۰۰۰	F(2,25)	معناداری	۱۸/۴۰۰۹۵	-آماره
۰/۰۰۰۱		معناداری کی دو	۱۸/۴۵۹۹۳	*R-squared مشاهده شده

یافته‌های پژوهش

تخمین الگو

حال، با توجه به اثبات وجود مشکل ناهمسانی واریانس و نیز مشکل خودهمبستگی، لازم است از روش وزنی‌سازی و نیز تصحیح خودرگرسیون^۱ و از میانگین متحرک^۲ استفاده شود. نتایج حاصل از رگرسیون وزنی متغیرهای شاخص توسعه انسانی، هزینه‌های جاری و عمرانی دولت نسبت به تولید ناخالص ملی با وزن درآمد نفتی در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون WLS

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری
حجم هزینه‌های جاری	۰	۰/۰۵۳۴۲۱	-۲/۱۵۵۸۶E-۰/۵	۰/۰۵۵۷
حجم هزینه‌های عمرانی	۰/۳۰۴۱۲۷	۰/۰۵۴۶۵۳	۵/۵۶۴۷۰۷	۰/۰۰۰۱
عرض از مبدأ	۰/۷۹۰۵۶۶	۰/۰۵۳۷۵۱	۱۴/۷۰۷۹۵	۰/۰۰۰۰
نفت	۶/۱۸۶E-۰/۱۸	۴/۱۲E-۰/۱۸	۱/۶۶۴۷۷۹	۰/۱۱۶۷
خودرگرسیون (۶)	۰/۴۳۸۶۰۶	۰/۱۴۸۸۴۱	۲/۹۴۶۸۱۵	۰/۰۱۰۰
خودرگرسیون (۲)	۰/۷۷۱۳۸۷	۰/۳۷۳۹۶۸	۲/۸۱۵۶۰۵	۰/۰۱۳۰
خودرگرسیون (۳)	۰	۰/۳۰۷۸۷۷	-۴/۲۶۰۷۶E-۰/۶	۰/۲۳۵۹
خودرگرسیون (۶)	۰/۹۰۴۵۱۵	۰/۰۵۰۲۴۰	۱۸/۰۰۳۹۱	۰/۰۰۰۰
خودرگرسیون (۵)	۰/۰۲۰۵۲۴	۰/۰۳۲۷۳۶	۰/۶۲۶۹۵۴	۰/۵۴۰۱
میانگین متحرک (۲)	۰	۰/۰۹۳۸۰۰	-۵/۵۲۵۱E-۰/۶	۰/۱۸۳۰
R2	۰/۹۹۷۸۸۹	میانگین متغیر وابسته		۰/۶۶۴۴۹۱
تعدیل شده ۲R	۰/۹۹۶۶۲۲	انحراف معیار متغیر وابسته		۰/۰۵۱۰۴۶
اشتباه معیار رگرسیون	۰/۰۰۰۱۳۲	مقدار بحرانی آکانیک		-۱/۵۵۸۲۸E-۰/۵
باقیمانده مجموع مربعات خطا	۱۱۶/۴۱۷۳	مقدار بحرانی شوارتز		-۰/۰۰۰۳۰۹۶۵۷
آماره F	۷۸۷/۶۹۷۳	مقدار بحرانی حنان کوئین		-۲/۱۱۵۵۱E-۰/۵
معناداری	۰/۰۰۰۰۰۰	آماره دوربین واتسون		۱/۸۸۷۶۰۰

براساس نتایج حاصل از تخمین الگو، تأثیر اندازه دولت برحسب هزینه‌های جاری نسبت به تولید ناخالص ملی منفی و معنی‌دار شده است. به عبارت دیگر، با توجه به مقدار آماره تی، که برابر با ۲/۷- به دست آمده است و از مقدار آماره بحرانی جدول بیشتر بوده و همچنین سطح معنی‌داری مربوط به این آماره که برابر با ۰/۰۵ بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر این متغیر در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است. ضریب متغیر اندازه دولت برحسب هزینه‌های جاری

¹ AR

² MA

نسبت به تولید ناخالص ملی برابر با ۰/۱۱- به دست آمده که نشان می‌دهد با افزایش ۱ درصدی اندازه دولت برحسب هزینه‌های جاری نسبت به تولید ناخالص ملی، شاخص توسعه انسانی ۰/۱۱ درصد کاهش می‌یابد. براساس نتایج حاصل از تخمین الگو، تأثیر اندازه دولت برحسب هزینه‌های عمرانی نسبت به تولید ناخالص ملی مثبت و معنی‌دار شده است. به عبارت دیگر، با توجه به مقدار آماره تی که برابر با ۵/۵۶ به دست آمده است و از مقدار آماره بحرانی جدول بیشتر بوده و همچنین سطح معنی‌داری مربوط به این آماره که برابر با ۰/۰۰۰۱ و کمتر از ۰/۰۵ برآورده شده است، می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر این متغیر در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است. ضریب متغیر اندازه دولت برحسب هزینه‌های عمرانی نسبت به تولید ناخالص ملی برابر با ۰/۳ به دست آمده که نشان می‌دهد با افزایش ۱ درصدی اندازه دولت برحسب هزینه‌های عمرانی نسبت به تولید ناخالص ملی، شاخص توسعه انسانی ۰/۳ درصد افزایش می‌یابد.

تأثیر درآمد نفتی مثبت و معنی‌دار شده است. به عبارت دیگر، با توجه به مقدار آماره تی که برابر با ۱/۶۶ به دست آمده است و از مقدار آماره بحرانی جدول بیشتر بوده و نیز سطح معنی‌داری مربوط به این آماره که برابر با ۰/۱۱ است، می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر این متغیر در سطح ۹۰ درصد معنی‌دار است. ضریب متغیر درآمد نفتی دولت برابر با ۶/۸۶ به دست آمده که نشان می‌دهد با افزایش ۱ درصدی درآمدهای نفتی، شاخص توسعه انسانی ۶/۸۶ درصد افزایش می‌یابد.

با توجه به مقدار مجذور آر که برابر با ۰/۹۹ به دست آمده و نیز مقدار مجذور تعمیم‌یافته، که برابر با ۰/۹۹ شده است، می‌توان گفت الگو از توضیح‌دهندگی خوبی برخوردار است. به عبارت دیگر، متغیرهای مستقل درصد زیادی از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. همچنین با توجه به مقدار آماره اف که برابر با ۷۸۷/۶۹ به دست آمده است و مقدار احتمال این متغیر که برابر با صفر شده که کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت کل الگو معنی‌دار است.

تحلیل روند متغیرهای مکمل

همان‌طور که در بخش تعریف مفاهیم اشاره شد، بهترین راه بهبود شاخص توسعه انسانی، مطالعه آن از طریق شاخص مکمل یعنی شاخص فقر و دیگر شاخص‌هایی است که می‌تواند میزان رفاه و رضایتمندی را در جامعه انعکاس دهد. میسر است. شاخص توسعه انسانی درباره کشوری متکی بر درآمدهای نفتی چون ایران، به‌تنهایی قادر نیست رفاه و بهبود واقعی توسعه انسانی را در جامعه نشان دهد، چراکه از طرفی، نابرابری موجود در مناطق مختلف کشور را بازتاب نمی‌دهد و از سوی دیگر، با وجود نقشی که درآمد نفتی در درآمد سرانه دارد، نمی‌توان وزن و اهمیت دو مؤلفه دیگر را به‌خوبی منعکس کرد. درآمد نفتی زیاد در حساب‌های ملی موجب جابه‌جایی وسیع و غیرواقعی شاخص مزبور در جهت مثبت می‌شود و بنابراین، حجم

مطالعه تأثیر اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در طی سه دهه پس از انقلاب

در خور توجهی از بهبود شاخص توسعه انسانی صرفاً به استخراج یک ماده طبیعی بستگی دارد نه به تولید واقعی برآورده شده در کشور. برای اینکه بدانیم آیا شاخص توسعه انسانی در ایران بهبود واقعی را نشان می‌دهد یا خیر، بررسی شاخص‌هایی در کنار شاخص توسعه انسانی که می‌توانند به نوعی در مطالعه شاخص توسعه انسانی مفید و مؤثر باشند ضروری است. به همین دلیل، در این پژوهش روند شاخص‌های مکملی چون فقر، تورم، بیکاری و نیز شواهد محیط زیستی را بررسی می‌کنیم:

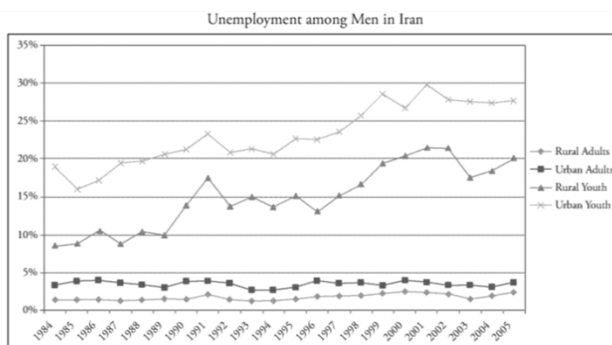
به لحاظ منطقی، با افزایش شاخص توسعه انسانی پیش‌بینی می‌شود که شاهد کاهش فقر باشیم و نمی‌توان صرفاً به شاخص توسعه انسانی برای بررسی روند بهبود اشاره کرد؛ چراکه اگر قرار بود این شاخص روند صعودی را طی کند شاخص فقر سیری نزولی را نشان می‌داد. حال آنکه، این شاخص ابتدا مسیری کاهنده و سپس فزاینده را در پیش گرفته است. بنابراین، شاخص توسعه انسانی در کنار شاخص مهمی چون فقر انسانی باید بررسی شود و نمی‌توان به شاخص توسعه انسانی به منزله یگانه شاخص قابل اعتماد برای نشان دادن سطح رفاه و بهبود زندگی افراد اشاره کرد.



نمودار ۱. روند فقر در ایران (منبع: محمودی (۲۰۱۱))

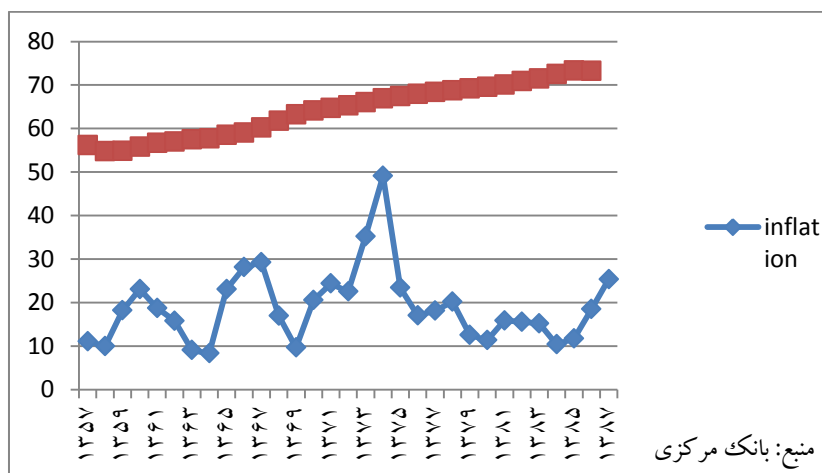
در عین حال، میزان بیکاری، که در کنار سرشاخص تولید معنا می‌یابد، شاخصی مهم و راهبردی قلمداد می‌شود. این شاخص مبین توانایی دولت‌ها در افزایش میزان اشتغال و به تبع آن کاهش محرومیت و افزایش رفاه است. از آنجایی که تعداد بنگاه‌های خصوصی در کشوری که دولت بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی را تحت پوشش خود دارد بسیار محدود است، این شاخص به نوعی عملکرد واقعی تری از میزان کوشش دولت برای کاهش محرومیت‌ها و افزایش رفاه و بهبود و تولید را نشان می‌دهد. با دقت در روند میزان بیکاری در ایران، درمی‌یابیم که این شاخص، روبه‌رشد است. بنابراین، نمی‌توان به سرشاخص تولید در شاخص توسعه انسانی اطمینان داشت. این سرشاخص در ایران بهبود خود را مدیون درآمد نفت است، نه تولید واقعی کشور. بنابراین، میزان بیکاری به نوعی نشان می‌دهد که بخش تولید در عمل در ایران کارآمد

نبوده و از آنجایی که تعداد افراد بیکار رو به رشدی است، میزان تعداد پایین شاغلان و به تبع آن میزان تولید پایین روشن می‌شود. البته، باید متذکر شد که انفجار جمعیت در دهه ۶۰ دولت را ملزم ساخت تا زمینه جذب نیروی کار و گسترش بازار تقاضای نیروی کار را به سبب عرضه آن در سال‌های دهه ۸۰ و پس از آن برآورد کند و بستر لازم را از همان زمان برای خیل عظیم نیروی کار جوان در آینده فراهم آورد. البته، دولت‌ها تلاش‌هایی در عرصه اشتغال‌زایی صورت داده‌اند، اما این تلاش‌ها صرفاً به اشتغال، با دستمزدهای پایین منجر شده و عملاً این دستمزدها نتوانسته است آینده جوانان را برای ازدواج و میل به پس‌انداز تأمین کند. مورد اول باعث کاهش تمایل به ازدواج شده و به تبع آن، عوامل منفی متأثر از آن برای جامعه به همراه عامل دوم به کاهش سرمایه‌گذاری منجر شده است.



نمودار ۲. بیکاری در ایران (منبع: محمودی: ۲۰۱۱)

میزان نرخ تورم شاخص دیگری است که می‌توان از آن برای ارائه تصویری روشن‌تر بهره برد. با افزایش تورم دستمزدهای واقعی کاهش می‌یابد و بنابراین، قدرت خرید واقعی افراد نیز کاسته می‌شود. از آنجاکه با افزایش تورم، دستمزدها افزایش چندانی ندارند و التهاب بازار ارز نیز به کاهش ارزش واقعی پول داخلی منجر می‌شود، هردوی این عوامل بر میزان قدرت خرید مصرف‌کننده، چه در عرصه کالاهای داخلی و چه در عرصه کالاهای خارجی، تأثیر می‌گذارند و به کاهش رفاه افراد جامعه می‌انجامند.



مقدار ۳. تورم و توسعه انسانی (محمودی: ۲۰۱۱)

درباب شاخص‌های زیست‌محیطی و توسعه انسانی پایدار می‌توان به میزان آلاینده‌ها در شهرهای صنعتی و کلان‌شهرها اشاره کرد. به‌طور کلی، به‌دلیل قیمت بسیار پایین حامل‌های انرژی در ایران، این منابع انرژی بسیار حیث‌ومیل می‌شوند. اسراف در حوزه سوخت‌های فسیلی موجب آلودگی هوا می‌شود. و این آلودگی بر سلامت و طول عمر افراد تأثیر می‌گذارد و درازمدت، بر سرشاخص بهداشت و سلامت اثر منفی خواهد داشت. این درحالی است که شاخص توسعه انسانی به‌تنهایی نمی‌تواند میزان تأثیرات آلاینده‌ها را بر سلامت افراد نشان دهد.

نتیجه‌گیری

این مقاله با الهام از این نظریه، که دولت نه الزاماً راه‌حل است و نه دشمن و نیز با عنایت به اینکه تحولات توسعه‌ای به‌خصوص در بعد رفاهی و توزیعی بسیاری از کشورها و به‌ویژه کشورهای درحال توسعه از ماهیت دولت متأثر است، به مطالعه اندازه دولت در توسعه انسانی پرداخت. همین‌طور، با توجه به مشخصه رانتیری دولت و اتکای آن بر درآمدهای نفتی در ایران، که ازمنظری خوش‌بینانه دست دولت را در تأمین مالی حوزه‌های توزیعی و رفاهی باز می‌گذارد و از این‌رو، بالقوه می‌تواند محرک عمده توسعه (از جمله توسعه انسانی) شود، به سنجش میزان کارآمدی دولت براساس شاخص توسعه انسانی با رویکرد تفکیک هزینه‌های جاری و عمرانی در سه دهه پس از انقلاب پرداخت، با این فرض که شاخص توسعه انسانی به‌مراتب شاخص بازتابی واقع‌بینانه‌تری از عملکرد دولت را در حوزه کاهش فقر و توزیع عدالت نشان می‌دهد.

برای بررسی میزان کارآمدی دولت در توسعه انسانی الگو WLS مبنا قرار گرفت. نتیجه پژوهش نشان داد که در طی دوره سی‌ساله پس از انقلاب، شاخص توسعه انسانی در ایران همواره

روندی صعودی داشته است، درحالی که اندازه دولت براساس هزینه‌های مصرفی (جاری) و سرمایه‌ای (عمرانی) همواره از دولتی به دولت دیگر و از سالی به سال دیگر برحسب ضرورت زمان متغیر است و درآمد نفتی دولت نیز همواره روندی صعودی و شتابان دارد؛ اما شتاب متغیر یادشده با شتاب هزینه‌های تخصیص یافته به بخش جاری و عمرانی و نیز بهبود شاخص توسعه انسانی هم‌خوانی ندارد، به این معنا که ضرورتاً درآمدهای نفتی در ایران، همانند بیشتر کشورهایی که از نعمت منابع طبیعی برخوردارند، به بخش هزینه‌ها تخصیص داده نمی‌شود و نمودی در بهبود زندگی افراد ندارد. از این رو، تأثیر عامل اندازه دولت و درآمد نفتی بر شاخص توسعه انسانی مطابق با تغییر این متغیرها صورت نمی‌پذیرد. همین‌طور، از تحلیل داده‌ها می‌توان فهمید که تحقق توسعه انسانی بیش از آنکه به میزان کل هزینه‌ها وابسته باشد، در وهله نخست، به ترکیب هزینه‌ها و بعد، به اولویت‌هایی مربوط است که به هزینه‌ها داده می‌شود. هرچند دولت در ایران، به منزله کشوری در حال توسعه، با اتکا به درآمدهای نفتی مدعی است که سالانه بخش درخور توجهی از درآمد خود که بیشتر آن عایدی نفتی است به هزینه‌هایی اختصاص می‌دهد که هدفشان افزایش رفاه جامعه و بازتوزیع درآمد و ارتقای سرمایه انسانی و بهبود توسعه انسانی است، نگاهی به تفکیک هزینه‌های مصرفی دولت نشان داد که دولت ایران، در طی دوره سی ساله، نه تنها از الگوی بودجه پیشنهادی پیروی نکرده است، بلکه میزان تفکیک هزینه‌های مصرفی آن بسیار با الگوی بودجه، تفاوت دارد. یافته‌های این پژوهش تا حد زیادی با نتایج مطالعات محققان خارجی چون پن لی جی (۱۹۹۴) و محققان داخلی چون آرانی ابرقویی (۱۳۹۰) و جمشیدی و همکاران (۱۳۹۰) که بر رابطه منفی بین اندازه دولت و توسعه انسانی تأکید دارند، هم‌خوانی دارد. به علاوه از آن جهت که افزایش درآمدهای نفتی به حجیم شدن دولت انجامیده، با یافته‌های دیویس بیشتر مطابقت دارد.

به‌طور اخص، یافته‌های این پژوهش نشان داد که افزایش هزینه‌های دولت به‌موازات شاخص توسعه انسانی طی سده‌هه مورد بحث، به‌ظاهر این باور را ایجاد کرده که ماهیت رفاهی دولت روبه‌گسترش بوده است، ولی نتایج الگوهای اقتصادسنجی آن را تأیید نمی‌کند. نخست اینکه، هرچند افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای (عمرانی) بر شاخص توسعه انسانی تأثیر مثبت داشته است، رشد هزینه‌های مصرفی (جاری) نه تنها تأثیر مطلوبی نداشته، بلکه در طی زمان آن بر این شاخص اثر منفی گذاشته است. دوم اینکه، دولت‌ها در ایران از الگوهای بودجه پیشنهادی سازمان ملل تبعیت نمی‌کنند و صرفاً بخش آشکار و نه‌نهاد رذیف‌های بودجه‌ای ادعای دولت را درباره توسعه و ارتقای کیفیت زندگی، آن هم در حد شعار، برجسته می‌کنند. به‌عبارتی، در الگوی مزبور، اولویت با هزینه‌های آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی است، حال آنکه اولویت‌های وزارتخانه‌ها و امور دفاعی غالباً اولویت‌های اصلی قلمداد می‌شوند و دیگر هزینه‌ها

فاصله زیادی از این دو بخش دارند. سوم اینکه، هرچند نفت عامل بالقوه‌ای در افزایش اندازه دولت و امکان تأمین هزینه‌های دولت است، به دلیل ثابت‌نبودن قیمت نفت در طی دهه‌های گذشته و افزایش هزینه‌های جاری دولت‌ها، روند ناپایداری برای توسعه انسانی ایجاد کرده است. چهارم اینکه، هرچند الگو رگرسیونی چندمتغیره ضریب بالایی را در تبیین متغیرهای تحقیق به دست می‌دهد، با توجه به ماهیت اقتصاد ایران باید متغیرهای دیگری را نیز در تبیین لحاظ کرد. برای مثال، می‌توان رشد جمعیت، خصوصاً در دهه‌های اول و رشد بیکاری منتج از آن، تورم و همین‌طور مسائل محیط‌زیستی، را از عوامل تأثیرگذار در کیفیت توسعه انسانی شمرد. بیکاری فزاینده سبب شدت دولت‌ها سیاست‌های اشتغالی را در کنار عدم تغییر اساسی در ساختار تولیدی کشور اعمال کنند که غالباً با تورم بالا و در نتیجه دستمزدهای غیرمکفی همراه بوده است که در عمل کیفیت زندگی را چندان تغییر نمی‌داده است. نهایت اینکه، سیاست یارانه‌ای، خصوصاً یارانه انرژی، موجب مصرف بی‌رویه حامل‌ها و آلاینده‌های شهری شده که بالقوه و بالفعل هزینه وضعیت بهداشتی و سلامتی افراد را افزایش داده است که این در میان مدت و درازمدت بر توسعه انسانی تأثیر منفی خواهد گذاشت و ناچار هزینه‌های اجتماعی و جاری دولت را در توسعه انسانی تحت تأثیر قرار خواهد داد.

با این‌وصف، به نظر می‌رسد تغییر در اولویت‌بندی‌های بودجه در ایران شرط اصلی تحقق توسعه انسانی مطلوب خواهد بود. زیرا، با اینکه رویه‌ها مبین بهبود در شاخص توسعه انسانی هستند، الگوهای تخمین‌زده‌شده حاکی از تأثیر بسیار نامطلوب هزینه‌های مصرفی دولت بر شاخص توسعه انسانی هستند؛ به این معنا که احتمال دارد دلایل دیگری چون رشد جمعیت به افزایش این شاخص منجر شده باشد. بر این اساس، دولت ایران بدون اولویت‌بندی دقیق بر مبنای نیازهای توسعه‌مدار و پیگیری نحوه مصرف هزینه‌های مصرفی‌اش نخواهد توانست توسعه انسانی واقعی خود را بهبود ببخشد.

منابع

- بانک جهانی (۱۳۸۴) *نقش دولت در جهان در حال تحول*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- تودارو، مایکل (۱۳۸۴) *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: کوهسار.
- ثاقب‌فرد، محمد (۱۳۸۵) بررسی نظام مالیاتی بر توزیع درآمد در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- جمشیدی هما، مریم مقیمی و نعمت‌الله اکبری (۱۳۹۰) تحلیل تأثیر اندازه دولت بر توسعه انسانی در کشورهای OIC (رهیافت رگرسیون وزنی جغرافیایی (GWR))، *مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، دوره دوم، شماره ۸: ۹۵-۱۱۶.
- دانش، صنیع (۱۳۷۴) بررسی علل بزرگ‌شدن دولت در ایران ۵۰-۱۳۷۰، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- دژپسند، فرهاد و حسین گودرزی (۱۳۸۹) «اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران؛ روش رگرسیون آستانه‌ای»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره چهاردهم، شماره ۱۲: ۱۸۹-۲۰۷.
- رازینی، ابراهیم‌علی و همکاران (۱۳۹۰) «بیکاری و اندازه دولت: آیا رابطه قابل‌قبولی وجود دارد؟»، *پژوهش‌های اقتصادی*، دوره یازدهم، شماره ۲: ۳۵-۵۷.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۸) *اولین گزارش ملی توسعه انسانی*، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۲) *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- شکوری، علی (۱۳۹۰) *سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران*، تهران: سمت.
- عسلی، مهدی (۱۳۸۳) تأثیر مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی کشور در یک الگو اقتصادی ساده، *مجله برنامه و بودجه*، دوره نهم، شماره ۸۳، ۳-۱۹.
- عصاری آرانی، عباس و افضل‌ابرقویی (۱۳۹۰) ارتباط اندازه دولت با توسعه انسانی (مقایسه کشورهای نفتی و کشورهای در حال توسعه غیرنفتی)، *مجله رفاه اجتماعی*، دوره دهم، شماره ۳۶: ۶۱-۸۸.
- کارشناس، مسعود (۱۳۸۲) *نفت، دولت و صنعتی‌شدن در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: گام نو.
- کمیحانی، اکبر و روح‌الله نظری (۱۳۸۸) «تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی*، سال نهم، شماره ۳: ۲۴-۵۶.
- گریفین، کیت (۱۳۷۸) *مروری بر جهانی‌شدن و گذار اقتصادی*، ترجمه محمدرضا فرزین، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *راه سوم: بازسازی سوسیال‌دموکراسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: شیرازه.
- موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲) *تحلیل شاخص توسعه انسانی در آخرین گزارش ۲۰۰۳ یوان دی پی و جایگاه ایران*، تهران: مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد.
- نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۹) *دولت و رشد اقتصادی در ایران*، تهران: نی.

هان‌تینگتون، ساموئل (۱۳۷۳) موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، تهران: روزنه.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲) *اقتصاد سیاسی ایران*، تهران: مرکز.

- Akbari, N. (2011) "An Analysis of the Impact of Size of Government on Human Development in Organization of Islamic Conference", *Studies of Urban and Regional Research*, 8: 95-116.
- Arney, D., (1995) *The Freedom Revolution*, Washington: Regnery Publishing.
- Barro, Robert J. (1990) "Government Spending in a Simple Model of Endogenous Growth", *Journal of Political Economy*, 98 (5): 103-125.
- Cho, J., Grubel, H., (1998) "Optimal Level of Spending and Taxation in Canada", In: Grubel, H. (Ed.), *How to Use the fiscal Surplus*, Vancouver: The Feaser Institute.
- Davies, A. (2009) "Human Development and the Optimal Size of Government", *Journal of Socio-Economics*, 38: 326-330.
- Gomanee, K., Mosley. O., Verschoor, A., (2005) "Aid, Government Expenditure, and Aggregate Welfare", *World Development*, 33 (3): 355-370.
- Guseh, J., Winter, S., (1997) "Government Size and Economic Growth in Developing Countries: A Political Economy Framework", *Journal of Macroeconomic*, 19 (1): 175-192.
- Heitger, B., (2001) *The Scope of Government and Its Impact on Economic Growth in OECD Countries*, Kiel Working Paper no.1034, Institute of World Economics, Kiel.
- Human Development Report (2005) "International Cooperation at Cross Roads Aid Trade and Security in on Unequal World", at <https://ideas.repec.org/b/hdr/report/hdr2005.html>.
- Mahmoudi, Vahid, (2011) "Poverty Changes during the Three Recent Development Plans in Iran (1995-2007)", *African and Asian Studies*, 10: 157-179.
- Pan, Lei-chi, (2006) "An Empirical Analysis on Effects of Government Expenditure on Human Development Index in China", at <http://en.cnki.com.cn/Article>.
- Scully, G.W. (1994) *What is the Optimal Size of Government in the United States?* NCPA Policy Report, no. 188. Dallas: National Center for Policy Analysis.
- Shakoori, A. (2001) *The State and Rural Development in Pors-Revolutionary Iran*, New York: Palgrave.
- United Nations (1990/2010) *Human Development Report*, Washingto DC: United Nations.

United Nations (2005) *Human development Report 2005: International Cooperation at Cross Roads Aid Trade and Security in on Unequal World /REPORT*, Washingto DC: United Nations

Vedder R.K., and Gallaway L.E. (1998) Government Size and Economic Growth, at: <http://www.house.gov/jec/> /ARTICLE

Vogelgesang, J. (2008) "Is the Influence on Government Size on Social Welfare Different among Lesser Developed, Developing and More Developed Nations? An Economic Panel Analysis", at: www.antolin-davies.com/theses/vogelgesang.docx.